

## The limits and scope of women's civil freedom from the perspective of Islam, verses of the Qur'an and the school of feminism; A look at the gender and educational role of women

### ARTICLE INFO

#### Article Type

Research Article

#### Authors

Zahrasadat Mousavi

Roohollah Afzali\*

Meysam Tarem

#### How to cite this article

Zahrasadat Mousavi, Roohollah Afzali, Meysam Tarem, The limits and scope of women's civil freedom from the perspective of Islam, verses of the Qur'an and the school of feminism; A look at the gender and educational role of women, *Journal of Quran and Medicine*, 2022:6(4): 215-225.

1. PhD student, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran (corresponding author).

3. Assistant Professor, Department of Fiqh and Basics of Islamic Law, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran.

\* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: afzaligorooh@yahoo.com

### ABSTRACT

Only one woman (Mary) is mentioned in the Quran. In general, the Qur'an has directly spoken about women in 196 verses. In the text of the Qur'an, the creation of the first woman (Eve) is described as similar and simultaneous with the creation of the first man (Adam). The view of Quran and Islam towards women has always been the subject of many criticisms. The family is the basic pillar of human society and the condition of dynamism and stability is the necessity of correct and stable relationships between husband and wife and children. The current society of Iran, as the most important Shiite country, has tried to implement the principles and solutions of Islam in various fields, so that it has also addressed them in laws and regulations, but this is influenced by several factors, including: the entry of Western culture into the country, especially The works of the movement, feminism, are the remnants of the traditional patriarchal culture, etc., and for this purpose, in this research, an attempt has been made to examine the limits and extent of women's civil freedom from the perspective of Islam, the Qur'an, and schools, through a descriptive and library method and with regard to current issues. Feminism has been discussed and the doubts surrounding them have also been investigated. Studies have shown that in the West, under the influence of the feminism movement, the family has lost its three vital functions; Satisfying sexual needs within a specific framework; Family as the center of generation and education and family as economic support. This is despite the fact that 1400 years ago, Islam considers men and women to complement each other and has declared piety as the only superior factor and has shown that men and women are equal in human status.

**Keywords:** women's civil freedom, Quranic verses, Islamic jurisprudence, feminism

## حدود و گستره آزادی مدنی زن از منظر اسلام، آیات قرآن و مکتب فمینیسم؛ نگاهی به نقش جنسیتی و تربیتی زن

### تربیتی زن

#### زهراسادات موسوی

دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران.

#### روح الله افضلی\*

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران (نویسنده مسئول).

#### میشم تارم

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران.

#### چکیده

در قرآن فقط از یک زن (مریم) نام برده شده است. به طور کلی قرآن در ۱۹۶ آیه مستقیماً درباره زنان سخن گفته است. در متن قرآن، آفرینش نخستین زن (حوا) مشابه و همزمان با آفرینش نخستین مرد (آدم) توصیف شده است. دیدگاه قرآن و اسلام نسبت به زنان همواره محل انتقادهای فراوانی بوده است. خانواده رکن اساسی جامعه انسانی است و شرط پویایی و استواری، آن وجوب روابط صحیح و پایدار میان زن شوهر و فرزندان است. جامعه کنونی ایران به عنوان مهم‌ترین کشور شیعی سعی در پیاده کردن اصول و راهکارهای اسلام در زمینه های مختلف کرده به طوری که در قوانین و مقررات نیز به آنها پرداخته است ولی این امر تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله: ورود فرهنگ غرب به کشور به خصوص آثار جنبش فمینیسم بازمانده فرهنگ پدرسالاری سنتی و... است و به همین منظور در این پژوهش سعی شده است از طریق توصیفی و کتابخانه ای و با توجه به مسائل روز به بررسی حدود و گستره آزادی مدنی زن از منظر اسلام، قرآن و مکتب فمینیسم پرداخته شده و شبهات پیرامون آنها نیز بررسی شده است. بررسی ها نشان داد در غرب تحت تأثیر جنبش فمینیسم خانواده سه وظیفه حیاتی خود را از دست داده: ارضای نیازهای جنسی در چارچوبی مشخص؛ خانواده به عنوان مرکز تولید نسل و تعلیم و تربیت و خانواده به عنوان پشتوانه اقتصادی. این در حالی است که اسلام در ۱۴۰۰ سال پیش زن و مرد را کامل کننده یکدیگر میدانند و تنها عامل برتری را تقوا اعلام کرده و نشان داده است که زن و مرد در جایگاه انسانی برابر ایستاده اند.

کلیدواژه: آزادی مدنی زن، آیات قرآن، فقه اسلام، فمینیسم

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۷

\* نویسنده مسئول: afzaligorooh@yahoo.com

#### مقدمه

آزادی های مدنی هم شامل آزادیهای سیاسی عقیدتی و مبنای نظری و عملی میشود و هم شامل آزادی های مدرن اجتماعی و آزادیهای مدرن اجتماعی و آزادیهای مدنی حقوقی است که توسط دولتها برای افراد شناخته شده است که معمولاً این حقوق در قوانین اساسی کشورها تضمین میگردد آزادیهای مدنی نشانه جوامع دموکراتیک است و یکی از ارکان دموکراسی است دست کم حرف آن را میزنند اما حقیقت این است که آزادی سیاسی واقعی فقط در معدودی از کشورها وجود دارد حتی در کشورهایی که نظام سیاسی آنها از نوع دیکتاتوری یا استبدادی همه جانبه «توتالیتریزم» است.

نظر اسلام در مورد گستره آزادی زن این است که زنان در جامعه اسلامی آزادند و از رفتن آنان به دانشگاه و ادارات و مجلس به هیچ وجه جلوگیری نمی شود از چیزی که جلوگیری میشود فساد اخلاقی است که زن و مرد نسبت به آن مساوی هستند و برای هر دو حرام است «ویل دوران در آثار خود احکام قرآن مجید را اساس تعالی زن دانسته است. نگاه دقیق «ویل دوران احکام» قرآن کریم و روش پیامبر اکرم (ص) را ضامن برآورده شدن نیازهای مادی و معنوی زنان می داند به نحوی که آنان را از پیوستن به اندیشه های دیگر بی نیاز می کند درک این نکته مهم است که برخلاف جهان غرب بویژه آمریکا که می کوشند مرد و زن را به نحو کمی و ظاهری برابر قرار دهند چنان که گویی هیچ تفاوتی میان آنها نیست اسلام مردان و زنان را موجودات کامل کننده یکدیگر می داند تفاوت این دو جنس در نقش و وظیفه ظاهری، اجتماعی آن دو است و اسلام در این زمینه به نوعی تکمیل گری زن و مرد نسبت به یکدیگر قائل است.

اسلام نه تنها زن را در حصار خانه محدود و زندانی نکرد، بلکه با آوردن قانون پوشش برای زن، در صدد تأمین امنیت وی در دو بعد مادی و معنوی برآمد. قانون پوشش، هم دلیل بر جواز مشارکت زن در اجتماع است و هم نشانه حمایت اسلام از دین و دنیای زن. جمله (ذَلِكْ اَدْنٰى اَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَنْنَ) که در پایان آیه «حجاب» آمده، نقش حمایتی پوشش را در بعد مادی بیان کرده است. زنان بدون پوشش یا با پوشش نامناسب، معمولاً در جامعه مورد انواع آزارهای لمسی، دیداری و شنیداری مردان ضعیف الایمان قرار می گیرند. در صدر اسلام نیز برخی از جوانان و افراد بیمار دل بر سر راه ها و کوچه ها می نشستند و وقتی زنان برای نماز جماعت یا کارهای دیگر از خانه خارج می شدند، به گونه های مختلف آنان را آزار می دادند. آیه شریفه (ذَلِكْ اَدْنٰى اَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَنْنَ) به این امر اشاره کرده و فرموده است: این کار (پوشش) برای اینکه (زنان با حجاب) شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند، نزدیک تر است. در برخی دیگر از آیات، به نقش حمایت معنوی پوشش اشاره شده است. در سوره احزاب، آیه ۵۳ می خوانیم: (وَ اِذَا سَأَلَ لَتَمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَّرَآءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ اَطْهَرُ لِقُلُوْبِكُمْ وَ قُلُوْبِهِنَّ) و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی (به عنوان عاریت) از آنها (همسران

نظریه برابری زن و مرد را در چارچوب حقوق فردی و اومانستی مطرح کردند انتشار کتاب ماری و لستون کرافت با عنوان اثبات حقوق زنان به عنوان نخستین بیان سیستماتیک فمینیستی و سنگ بنای فمینیسم مدرن پذیرفته شده و در زمره مهمترین حوادث تاریخ اندیشه فمینیست به شمار میرود (۳)

فمینیسم در قرن نوزدهم و بیستم آشکار و جبهه سیاسی اجتماعی پیدا کرد و احتمالاً مهمترین اثر فمینیستی قرن نوزدهم رساله جان استوارت میل به نام انقیاد «زنان است که در سال ۱۸۶۵ منتشر شد میل در این رساله انقیاد هر یک از دو جنس را نسبت به دیگری رد کرده از اصل برابری کامل دفاع میکند (۴). با توجه به مطالب ذکر شده هدف از پژوهش حاضر حدود و گستره آزادی مدنی زن از منظر اسلام و مکتب فمینیسم می باشد.

حدود و گستره آزادی زن در گستره تاریخ

در سفر تثبیه «یهودیان آمده است که شهادت و سوگند زنان پذیرفته نیست. هم چنین یهودیان در دعاها یومیه خود می گویند تبارک الله خالق و سلطان عالم که مرا زن نیافریدی» یکی از مثل های رایج آنان که در متون مذهبی شان آمده، این جمله است: «دعا کن خدا تو را از شر زن بد حفظ کند و از شر خویش نیز (۵).

آموزه های تحریف شده آیین مسیح نیز به افکار منحرف شده یهودیان شبیه است چنان چه مجمع دینی فرانسه در سال ۵۸۶ میلادی پس از بحث زیاد درباره ی ماهیت، زن چنین نظر داد زن انسان است اما برای خدامت مرد آفریده شده است». فرقه ی «ابی یونی ها که در قرن اول میلادی ظهور کردند عقیده داشتند که زن به علت پستی فطری که دارد قابل زناشویی نیست و ذاتاً ناپاک است. حتی بسیار کوشیدند تا کلیسا را به تحریم ازدواج وادار کنند در تعالیم «سن پول» که مسیحیت توجه تاقی به آن دارد به زنان اجازه ی، خواندن نوشتن و آموختن داده نشده است در این باره آمده است که زنان باید در سکوت کامل به سر برند و تنها شوهرانشان هدایت شوند» نظر لنگردن دويس؛ «مرجع بزرگ مسیحیت نیز درباره ی زنان چنین است مرد جز این که زنان را که بالفطره سبک مغز و شیفته ی لباس و زینت و تظاهرند در خانه محفوظ و مقلد نگاه دارد. در این پژوهش به منظور عدم اطنا ب از نظرات خشن وحاد و زنده مراجع دیگر مسیحیت چون «کلمنت» و «ترتولیان» صرف نظر می کنیم (۶).

در یونان، زناشویی به وسیله ی خریداری صورت میگرفت خواستگار معمولاً چیزی را که با گاو یا معادل آن سنجیده می به پدر عروس می پرداخت معامله هم متقابل بود؛ زیرا پدر عروس نیز معمولاً جهیزیه زیادی به او می داد... «هومدروس» از دختران گاو آور نام می برد. در عصر «هومدروس» به همان نسبت که شوهر بی وفا بود زن وفادار بود برای یونانیان، علت ازدواج نه عشق بود و نه لذات زناشویی بلکه بدان جهت تأمل می گردید که از طریق همسری صاحب جهاز، به خود و به کشور خود بقا بخشند و فرزندان به بار آوردند تا روح خویش را از گزندهایی که به ارواح فراموش شده دارند. ولی با همه ی این مزایا مردان یونانی تا میتوانستند از همسر گرفتن خودداری می کردند در روم پیش از میلاد دختران و زنان کنیز و بدبخت بودند و مانند اشیاء و حیوانات خرید و فروش

پیامبر) می خواهید، از پشت پرده بخواهید. این کار دل های شما و آنها را پاک تر می دارد. جمله (ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ) در مقام بیان فلسفه و مصلحت این دستور است

در سوره نور نیز به مردان فرموده است: (قُلْ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ يَغُضُّوْا مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوْا فُرُوْجَهُمْ ذٰلِكَ اَزْكٰى لَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌۢ بِمَا يَصْنَعُوْنَ) (نور: ۳۰)؛ به مؤمنان بگو، چشم های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند و فروج خود را حفظ کنند. این برای آنها پاکیزه تر است. خداوند از آنچه انجام می دهید، آگاه است.

آیه ۶۰ سوره نور در خصوص زنان سالمند گفته است: (وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ اَنْ يَّضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ) (این آیه، به زنان سالمند در کیفیت پوشش تخفیف داده است، مشروط به اینکه از این کار قصد تبرج و خودنمایی نداشته باشند. بنابراین، تبرج به طور مطلق، برای همه زنان، خواه زنان پیامبر باشند یا غیر آن و خواه جوان باشند یا مسن، ممنوع است و استثنایی ندارد. در اسلام به شدت به ازدواج تأکید شده است که زن و مرد از طریق ازدواج چنان در ساختار گسترده خانواده ادغام می شود که مانع از استقلال مطلق فرد در آن میشود از حیث مشارکت سیاسی زنان در اسلام پیشرو بوده است، مشارکت سیاسی، نظامی و اجتماعی زنان از صدر اسلام تا زمانهای بعد «غزوات، مهاجرت، جمعه و جماعات حضور در مساجد و مشارکت فرهنگی - آموزشی» همگی دال بر این امرند که اسلام بسیار فراگیر و در فاصله زمانی بسیار بیشتر و دورتر از لیبرالیسم و سوسیالیسم زن و حقوق سیاسی و اجتماعی تو را مد نظر داشته است آنچه تفاوت اصلی اسلام و مکاتب مادی را محوریت می دهد اساس تعارض و تضاد است اسلام و ادیان الهی بر ارزشهای الهی اصرار دارند و حرکت آدمیان را در رستگاری حقیقی می طلبند و مکاتب دیگر بر پیروی از امیال شهوانی پامیفرند و آدمی را به ناکجا آباد هواهای زودگذر می کشاند.

از محوری ترین آرمانهای فمینیسم اصل برابری کامل و یکنواخت به دور از هرگونه تفاوت بین حقوق زنان و مردان است. پیشگامان این نهضت آزادی، زن تساوی حقوق او را با مرد مکمل و متمم حقوق دانسته مدعی هستند که بدون تأمین آزادی زن و تساوی حقوق او با مرد سخن از آزادی و حقوق بشر بی معناست. آنها همه مشکلات خانوادگی را ناشی از عدم آزادی زن و عدم تساوی حقوق او با مرد میدانند

اسلام برای زنان و مردان در برخی، حقوق، وظایف مجازتها و تفاوتهایی را قایل شده است که از نظر فمینیسم علت این امر نگاه تحقیر آمیزی است که در این دین نسبت به زن وجود دارد (۱) شهید مطهری در جواب می نویسد: «اصلی که در این استدلال به کار رفته این است که لازمه برابری زن و مرد، حیثیت و شرافت، انسانی، یکسانی، یکنواختی و تشابه آنها در حقوق است (۲). مهمترین روایت فمینیستی در جامعه معاصر و غرب، جنبش آزادی زنان است که به دنبال مبارزات طولانی مدت زنان از قرنهای قبل و بالاخص در اعتراض به مردسالاری حاکم بر اعلامیه حقوق بشر فرانسه در سال ۱۷۸۹ شکل گرفت؛ زیرا این اعلامیه حقی برای زنان در نظر نگرفته بود. آگوست کنت در سال ۱۸۶۹ و جان استوارت میل در سال ۱۸۶۹

زن و مرد را در حقوق سیاسی تصویب کردند فرانسه نیز در قرن بیستم تسلیم این امر شد به هر حال در قرن بیستم گروه های زیادی در همه ی جهان طرفدار تحول عمیقی در روابط مرد و زن از نظر حقوقی و وظایف گردیدند به عقیده ی آنان تحول و دگرگونی در روابط ملتها و دولتها و روابط زحمتکشان و رنجبران با کارفرمایان و سرمایه داران مادامی که در روابط حقوقی مرد و زن اصلاحاتی صورت : نگیرد برای تأمین عدالت اجتماعی کافی نیست از این رو برای اولین بار در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر که پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۸ میلادی از طرف سازمان ملل متحد منتشر شد در مقدمه ی آن چنین قید شد: از آن جا که مردم ملل متحد ایمان خود را به حقوق بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن مجدداً در منشور اعلام کرده اند» (۱۲)

حدود و گستره آزادی مدنی زن از منظر اسلام و آیات قرآن زن در این دیدگاه نباید تنها به خانه اش بنگرد بلکه باید به دنیا بیندیشد و سرنوشت انسان جامعه حکومت و نظام دغدغه های فکرش باشد حضرت زهرا (س) در این زمینه بهترین الگو میباشد اهداف این تفکر عبارت است از ظلمهایی که به زن میشود جلوگیری شود عدالت اجتماعی در جامعه برپا شود زن از حقوق اجتماعی برخوردار شود و در برنامه های اجتماعی شرکت کند زن مسلمان در دنیا و آخرت حیات طیب داشته باشد (۱۳) با توجه به تفکراتی که بیان شد زنان تنها در اسلام آزادی اجتماعی واقعی را میتوانند تجربه کنند و بر این اساس مسئولیتهایی نیز بر عهده دارند. (۱۴)

اسلام مقام زن و حقوق او را در تمام ابعاد به عنوان یک انسان بیان کرده است؛ زیرا اسلام فرهنگ فطرت است و با تمام شوون انسان و انسانیت آهنگی هماهنگ دارد نظام مسایل و قوانین در اسلام از جانب خداوند بزرگی است که ساختمان انسان را بنا نهاده است و چون میداند انسان چیست و کیست و چه ظاهر و باطنی دارد بر اساس کیان و حیثیت و موجودیت او قانون وضع کرده و راه سعادت و هدایت را به او نموده است (۱۵)

#### ۱. حقوق خانوادگی زنان

قرآن کریم می فرماید:  
الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِنَفْسِ بِنَاتِ اللَّهِ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ تَشْوَرْنَ فَعُظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً كَبِيراً؛ مردان را بر برخی زنان سمت قوامت است بواسطه اینکه خداوند برخی را بر برخی فضیلت داده است و بواسطه اینکه اموالشان را بعنوان مهر و نفقه انفاق می کند بنا بر این زنان شایسته مطیع امر خدا و نگه دارنده مال و ناموس شوهرانند بواسطه اینکه خداوند آنها را حفظ میکند و زنانی که از نافرمانی ایشان بیم دارید آنها را اندرز دهید و در خوابگاهشان تنها گذارید و آنها را بزنید پس اگر شما را اطاعت کردند راهی برای زدن و ترک همخوابگی مجوید که خداوند بلند مرتبه و بزرگ است. (نساء: ۳۴).  
الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ مردان سرپرست و در تدبیر زندگی و

می شدند و به هیچ وجه حق حیات نداشتند و از تمام حقوق اجتماعی محروم بودند نه ارث می بردند و نه میتوانستند مالک چیزی بشوند تولد در روم خود حادثه ای خطرناک بود. اگر کودک اندامی ناسالم داشت یا دختر بود پدر به حکم عادت می توانست او را بکشد زاییدن دختر جرم بود و تا دو باردختر زاییدن در دادگاه محاکمه به پرداخت جریمه محکوم میشد بار سوم نیز به اعدام محکوم می شد. (۷)

در ایران باستان زن بدون اجازه شوهر حق تصرف در اموال خویش را نداشت و به موجب قانون زناشویی، فقط شوهر دارای شخصیت حقوقی بود و زن از این حیث به طور کامل محروم بود اشراف ایرانی هر کدام دارای تعداد زیادی زنان زرخید و اهدایی بودند (۸). البته شایان توجه است که گرچه زنان وضع ناگواری داشتند، اما در این عصر به زنانی برمی خوریم که تحصیلات عالی داشته اند (۹)

در عربستان پیش از نزول وحی دختران زنده به گور می شدند و در برخی قبایل دختران راسر می بریدند. بعضی دیگر، نوزاد دختر را از بالای بلندی و یا قلعه ی کوه به پایین می انداختند یا در آب غرق می کردند هرگاه زنان آبستن می شدند، هنگام زاییدن به صحرا می بردند و قبری در کنارشان حفر میکردند تا اگر نوزاد دختر بود بدون شست و شو زنده به گور کنند. و چه بسا اتفاق افتاد که زنی دو سه بار دختر آورده و هر بار دخترش زنده به گور شده است در مرتبه ی سوم به جرم زاییدن دختر، خودش را با نوزادش زنده به گور می کردند اولین بار که رسم زنده به گور کردن دختران مرسوم شد در واقعه ی جنگ بنی تمیم با خسرو پرویز بود. در آن جنگ عده ایی از زنان قبیله به اسارت لشکر ایران درآمدند و به دربار خسرو پرویز برده شدند. در آن جا دختران و زنان را به عنوان کنیز نگه داشتند پس از صلح زنان از بازگشت به قبیله ی خویش سرباز زدند. از آن پس عرب برای پیشگیری از این، ننگ دختران رازنده به گور می کرد (۱۰).

در غرب در قرن ۱۹ در زمینه حقوق بشری و مسایل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تحولات و افکار تازه ای پدید آمد که ظهور «سوسیالیسم» انجامید و لزوم تخصیص منافع به طبقات زحمتکش و انتقال حکومت از سرمایه دار به کارگر مطرح شد. تا اوایل قرن بیستم حقوق ملتها در برابر دولتها یا حقوق طبقات رنجبر و زحمتکش در برابر کارفرمایان و اربابان مطرح است و از حقوق زن خبری نیست هم چنین زنان در غرب به سختی دارای حقی بودند که مردان ناگزیر باشند از روی قانون آن را محترم بدارند استقلال و شخصیت انسانی زن در ردیف یک برده بود و در هیچ موردی حقوق مساوی با مرد نداشت، هرچند در تمام موارد مسؤولیت و وظیفه ای بیش از مرد داشت اگر زن پول جمع می کرد، متعلق به شوهرش بود و اگر به هنگام عروسی جهیزیه و مالی به خانه می آورد شوهر حق داشت همه را بفروشد و خرج کند. (۱۱).

برای اولین بار در قرن بیستم مسأله ی حقوق زن در برابر حقوق مرد عنوان شد انگلستان که قدیمی ترین کشور دموکراسی به شمار می رود فقط در اوایل قرن بیستم برای زن و مرد حقوق مساوی قابل شد دول متحده آمریکا با آن که در قرن هجده اعلان استقلال به حقوق عمومی بشر اعتراف کرده بودند در سال ۱۹۲۰ میلادی قانون تساوی

اسلام در زمینه ارث انقلاب به وجود آورد و اولین نظام حقوقی جهان بود که به زنان حق ارث اعطا کرد و تمام قوانین ظالمانه دوران جاهلیت را که بر پایه اعتقادات آداب و رسوم قبیله ای بود منسوخ کرد با تابش نور اسلام و نزول آیه ۷ سوره نساء اصل اشتراک زن و مرد از ماترک متوفی به رسمیت شناخته شد و عینیت یافت و با این، تحوّل روابط حقوقی جدیدی پدید آمد که زنان نیز از ارث بهره مند شوند خداوند متعال می فرماید: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا» برای مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود بر جای می گذارند سهمی است و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان میگذارند سهمی؛ خواه آن مال کم باشد یا زیاد. این سهمی است تعیین شده و پرداختنی» (نساء: ۷).

امام رضا (ع) در پاسخ به این سؤال که چرا سهم ارث زنان نصف سهم ارث مردان است فرمودند «چون زن ازدواج میکند. در همان قدم اول مهریه میگیرد مرد) میدهد و او میگیرد بدین دلیل است که سهم مردان بیشتر شده است و علت دیگر این تفاوت آن است که زن عیال خرج خور مرد است و هر حاجتی که داشته باشد بر شوهر واجب است آن را برآورد و هزینه زندگی او را تأمین کند ولی بر زنان واجب نیست خرج شوهر را بدهند، حتی در صورتی هم که مرد محتاج باشد، حاکم زن را مجبور به دادن مخارج شوهر نمیکند و بدین دلیل اسلام سهم ارث مردان را بیشتر کرده است» (۲۱) امام صادق (ع) نیز در پاسخ به این اشکال که چرا ارث زنان کمتر است فرمودند «زیرا جهاد، نفقه و دیه قتل خطایی بر عهده زن نیست و این وظیفه ها بر عهده مردان است به همین علت برای زن یک سهم و برای مرد دو سهم است» (۲۲)

اسلام تعدد همسر را به طور مشروع دانسته است و در این شکی نیست البته تعدد، همسر اصلی است که در آنجایی برای اظهار نظر و اجتهاد وجود ندارد؛ لکن در تفسیر شرطی که تعدد را اجازه میدهد باب اظهار نظر و اجتهاد باز است؛ به عنوان مثال مجتهد میتواند بگوید مراد از خوف آن است که مرد احتمال ستم و عدم رعایت عدالت میان همسران را بدهد. بنابراین باب تعدد، همسر جز در مواردی بسیار اندک مسدود میشود؛ زیرا احتمال فوق درباره اکثر مردان وجود دارد و مؤید این مدعا فسادی است که ما آن را در بسیاری از خانیهایی که در آن بیش از یک همسر وجود دارد مبینیم. (۲۳)

اسلام مهر را به عنوان یک حق مسلم به زن اختصاص داد و در آیات قرآن کراراً مردان را به رعایت کامل این حق توصیه کرده است. در اسلام برای مهر مقدار معینی تعیین نشده است و بسته بتوافق دو همسر است اگر چه در روایات فراوانی تأکید شده که مهر را سنگین قرار ندهند ولی این یک حکم الزامی نیست بلکه مستحب است آیه ۴ سوره نساء: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صِدْقَاتِهِنَّ نَحْلَةً؛ صدقاتی زنان را به عنوان بخشش و هدیه پرداخت کنید واژه های «صداق» و «نحله» از این آیه اتخاذ شده است. مهر را از آن جهت صدق گویند که نشانه ی صادقانه بودن علاقه ی مرد است یا به خاطر آن که نشانه ی ایمان است نحله یعنی بخشش از روی طیب نفس و رضای خاطر به

تربیت و تعلیم مسلط بر زنان هستند. (۱۶) زن و مرد دو رکن زندگی اند. قوام زندگی بدون یکی از آنها محال است این سخن بدان معناست که میان زن و مرد نوعی تفاوت وجود دارد و اگر هر دو از تمام جهات برابر بودند بسنده کردن به یکی از آن دو امکان داشت و وجود و عدم دیگری یکسان بود. بنابراین، دعوت به برابری میان این دو از تمام جهات برخلاف منطق زندگی است. ممکن است کسی بگوید: زن و طرفداران او خواستار مساوات در حقوق و وظایف هستند نه خواستار مساوات از تمام جهات حتی مثلا در بارداری و شیر دادن (۱۷)

در جواب باید گفت: تفاوت در خلقت مرد و زن ایجاب میکند که در بعضی از حقوق و وظایف نیز با یکدیگر تفاوت داشته باشند، بلکه حتی در بعضی از غرایز روحی بنابراین کسی که خواستار برابری میان زن و مرد در تمام حقوق و وظایف میباشد کاملا از حقیقت دور است؛ همانند کسی که تفاوت میان آن دو را در تمام جهات جستجو می کند درست آن است که این دو در بیشتر حقوق یا در بسیاری از حقوق با یکدیگر برابرند که مهمترین آنها برابری در پیشگاه خدا و قانون، آزادی تصرف در مال و گزینش شریک زندگی است؛ اما در بعضی از حقوق با یکدیگر فرق دارند.

علامه طباطبایی میفرماید قیومت مرد بر زنش به این نیست که سلب آزادی از اراده زن و تصرفاتش در آنچه مالک آن است، بکند و معنای قیومت مرد این نیست که استقلال زن را در حفظ حقوق فردی و اجتماعی، او، و دفاع از منافعش را سلب کند، پس زن هم چنان استقلال و آزادی خود را دارد هم میتواند حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ کند و هم می تواند از آن دفاع نماید و هم میتواند برای رسیدن به این هدفهایش به مقدماتی که او را به هدفهایش میرساند متوسل شود. (۱۸).

آیت الله مکارم نیر میگوید خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است و همانند یک اجتماع بزرگ باید رهبر و سرپرست واحدی داشته باشد زیرا رهبری و سرپرستی دستجمعی که زن و مرد مشترکا آن را به عهده بگیرند مفهومی ندارد در نتیجه مرد یا زن یکی باید "رئیس" خانواده و دیگری معاون و تحت نظارت او باشد قرآن در اینجا تصریح میکند که مقام سرپرستی باید به مرد داده شود اشتباه نشود منظور از این تعبیر استبداد و اجحاف و تعدی نیست بلکه منظور رهبری واحد منظم با توجه به مسئولیتهای و مشورتهای لازم است (۱۹).

امروزه در ایران مرسوم است که ضمن عقد نکاح یا عقد خارج لازم زوج به زوجه وکالت بلاعزل با حق توکیل غیر میدهد که در مواردی با رجوع به دادگاه و و اخذ مجوز خود را مطلقه کند آن موارد عبارت اند از استنکاف شوهر از دادن نفقه یا ادای سایر حقوق زن سوء رفتار یا سوء معاشرت زوج به حدی که ادامه زندگی غیر قابل تحمل شود ابتلای زوج به بیماریهای صعب العلاج، جنون، اعتیاد اشتغال به شغلی که با مصالح خانوادگی و حیثیت زوجه منافی باشد محکومیت زوج به دست کم ۵ سال حبس یا به حد و تعزیر ترک زندگی خانوادگی بدون عذر موجه صاحب فرزند نشدن زوج به جهت عقیم بودن یا عوارض جسمی دیگر مفقودالاثرا شدن زوج و اختیار همسر دیگر بدون رضایت زوجه (۲۰).

کار رفتن این واژه از آن جهت است که مهر جنبه‌ی اهدایی و پیش‌کشی و عطیه‌دار (۲۴).

قرآن کریم در آیات مختلف به نفع زن اشاره کرده است آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی نساء آیه‌ی ۲۳۳ سوره بقره و آیه‌ی ۷ سوره‌ی طلاق در این زمینه روایتهای فراوانی وجود دارد پیامبر اکرم (ص) فرمود: «ملعون ملعون من ضیع من یعول؛ کسی که خانواده و عایله‌ی خویش را ضایع کند ملعون است. امام صادق علیه السلام فرمود: «من سعادة الرجل ان يكون القيم علی عیاله؛ نشانه‌ی سعادت مرد این است که امرار معاش و هزینه‌ی زندگی خانواده‌اش را بر عهده‌گیرد.» از این آیات و روایات برمی‌آید که اسلام از همان ابتدا به زن حق داد مالک شود و ثروت کسب کند و مرد را از تصرف در ثروت زن منع کرد: «للرجال نصب مما اکتسبوا وللنساء نصب مما اکتسبن؛ مردان را از آن بهره‌ای است و زنان را نیز از آن چه کسب می‌کنند و به دست می‌آورند، بهره‌ای است. همچنین مرد را مکلف کرده بود که بودجه‌ی خانواده را تأمین کند و مخارج، همسر فرزندان خدمت کار مسکن و نظیر آن را بپردازد.

تنها دینی که در چنین اوضاع و شرایط نه تنها از نظر قانونی و عملی بلکه از نظر فکری انقلاب بزرگی را به راه انداخت اسلام بود، این اسلام بود که تفکر زن و مرد را اصلاح کرد و در ذهن انسان عزت، کرامت و حقوق زن را زنده نمود لذا کلماتی از قبیل حقوق زن، تعلیم و تربیت زن و نهضت زنان را که امروزه می‌شنوید انعکاس آن انقلاب عظیمی است که حضرت رسول(ص) ایجاد کرد و طرز تفکر انسانی را تا روز قیامت عوض کرد و او تنها پیامبری بود که به تمام جهانیان فهمانید که زن مانند مرد انسان است:

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا (نساء/۱)

پروردگاری که شما را از یک انسان بیافرید و (سپس) همسرش را از نوع او آفرید، و از آن دو نفر مردان و زنان فراوانی (بر روی زمین) منتشر ساخت. (۲۵).

و نیز اعلام نمود که نزد خدا زن و مرد هیچ فرقی ندارند:

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ (نساء/۳۲)

مردان نصیبی دارند از آنچه فراچنگ می‌آورند و زنان (هم) نصیبی دارند از آنچه به دست می‌آورند

آن مراتب روحی که مرد توسط ایمان و عمل صالح به آن می‌رسد برای زنان نیز مسیر و مهیا است و در جایی که مرد می‌تواند به مقام ابراهیم بن ادهم برسد هیچ مانعی وجود ندارد که زن در مرتبه کمال روحی به مقام رابعه بصری ارتقا پیدا کند:

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ (آل عمران/۱۹۵)

پس پروردگارش دعای ایشان را پذیرفت و پاسخشان داد که من عمل هیچ کسی از شما را که به کار پرداخته باشد - خواه زن باشد یا مرد - ضائع نخواهم کرد. پاره‌ای از شما از پاره دیگر هستید.

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا (نساء/۱۲۴)

کسی که اعمال شایسته انجام دهد و مؤمن باشد - خواه مرد و خواه زن - چنان کسانی داخل بهشت شوند، و کمترین ستمی بدانان نشود

پس حضرت محمد(ص) به زن و مرد فهمانید که حقی را که مرد به زن دارد، همان حق را زن به مرد دارد:

وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ (بقره/۲۲۸)

و همان حقوقی که بر عهده مرداست، همان حقوق نیز برای زن وجود دارد.

الرجال قومون علی النساء...؛

مردان، سرپرست و خدمتگزار زنانند...

امام باقر علیه السلام در پاسخ پرسش درباره کسی که به زنش بگوید «امر به دست خود تو است»، فرمود:

کجا چنین است؛ در حالی که خداوند فرموده است: «الرجال قومون علی النساء».

الذَّكْرَاتُ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُنَّ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.

این آیات به خوبی روشن می‌کند، زن و مرد در کنار یکدیگر، همچون دو کفه‌ی ترازو هستند و خداوند برای هر دو پاداشی یکسان بدون کمترین تفاوت قائل می‌شود.

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

هرکس از مرد و زن ایمان داشته باشند و عمل صالح انجام دهد به او حیات پاکیزه می‌بخشیم و پاداش آنها را بهتر از اعمالی که انجام داده‌اند خواهیم داد

بر اساس این آیه، ملاک دستیابی به حیات طیبه اموری مانند تفاوت در جنسیت یا نژاد و رتبه اجتماعی نیست، بلکه تنها ملاک راستین، ایمان و عمل صالح است.

این آیه در حقیقت بیان می‌کند که کسانی که برای زن مقامی پایین‌تر از مقام انسانی مرد قائل بودند ثابت می‌کند که اسلام دینی مردمحور نیست. بلکه اگر در مسیر صحیح الهی قدم بردارند هر دو به طور یکسان از حیات طیبه برخوردار خواهند شد و از اجر مساوی در پیشگاه الهی بهره‌مند خواهند شد.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

ای مردم، ما همه‌ی شما را از زن و مرد آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیار و فرقه‌های مختلف گردانیدیم، تا بدانید که اصل و نژاد، مایه‌ی افتخار نیست و بزرگوارترین شما نزد خدا کسی است که با تقواتر است، خداوند به کار نیک و بد مردم آگاه است

در این آیه کریمه نیز زنان و مردان هم ردیف یکدیگر قرار داده شده، و خداوند سبحان از نظر پاداش فرقی بین آنها نگذاشته است. بلکه قلم قرمز بر تمام امتیازات ظاهری و مادی کشیده و اصالت و واقعیت را به مسأله تقوا و پرهیزکاری می‌دهد.

در این آیه لزوم حق شناسی در برابر مادر یادآور شده و بر سه محور اساسی تأکید می‌شود:

الف. دوران حمل: قرآن کریم در این آیه رنج‌ها و مرارت‌های مادران را در دوران حمل خاطر نشان می‌سازد: «حَمَلْتَهُ أُمَّهُ كُرْهًا»

ب. وضع حمل: بر اساس این آیه مادران به هنگام وضع حمل نیز سختی و رنج فراوانی را متحمل می‌شوند؛ «وَضَعْتَهُ كُرْهًا»

ج. دوران شیردهی: دوران طولانی مدت شیردهی نیز یکی دیگر از مقاطع پر زحمت دوران زندگی مادران است که در این آیه مورد تأکید قرار گرفته است. «حَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا»

وی در طول این سی ماه بزرگ‌ترین ایثار و فداکاری در مورد فرزندش انجام می‌دهد، چنانکه با صبر و حوصله تمام نیازهای فرزند را تشخیص داده و برآورده می‌کند.

## ۲. حقوق زن در مسایل کیفری

در زمینه ی دیه ی زن و مرد که به هنگام قتل خطایی واجب می‌شود تنها آیه ای که در قرآن کریم به این مسأله اشاره می‌کند، آیه ی ۹۲ سوره نساء است. خداوند در این آیه می‌فرماید:

«وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَتَّقِلَ مِؤْمِنًا الْاِخْطَاءَ وَمَنْ قَتَلَ مِؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مَوْمَنَةً وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهَا إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا...؛ هیچ فرد با ایمانی حق ندارد فرد با ایمانی را به قتل برساند مگر این که کار از روی خطا و اشتباه از او سرزند و در عین حال کسی که فرد با ایمانی را از روی خطا به قتل برساند باید یک برده آزاد کند و به کسان او خون بها بپردازد. مگر این که آنان خون بها را ببخشند.»

در باب نصف بودن دیه ی زن نسبت به دیه ی مرد نیز روایات فراوان و متعددی در کتب روایی به ویژه وسایل الشیعه، جلد ۱۹ بیان شد که ما تنها به یک مورد از آن اشاره می‌کنیم: عن ابی عبد الله علیه السلام قال: «دیه المرأة نصف دیه الرجل؛ دیه ی زن نصف دیه ی مرد است.» البته در دیه ی اعضا، زن و مرد تا یک سوم دیه با هم مساوی هستند، اما اگر از یک سوم گذشت دیه ی زن نصف دیه ی مرد می‌شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: «ان قتل رجل امرأه خیر اولیاء المرأة ان شأوا ان یقتلوا الرجل ویغرموا نصف الدیه لورثته و ان شأوا ان یأخذوا نصف الدیه؛ اگر مردی زنی را به قتل برساند به عمد اولیای زن در گزینش این دو راه مخیرند؛ قصاص کنند و نصف دیه را بپردازند یا این که نصف دیه را بگیرند.»

مشابه و مؤید این حکم و روایات احادیثی است که در قصاص اعضا آمده است. تنها یک روایت است که به طور مطلق می‌گوید امیرالمؤمنین علی علیه السلام مردی را به جرم کشتن زنی قصاص کرده‌اند البته در این مورد، قانون مطلق و مقید جاری می‌شود و این روایت مطلق به آن روایات متعدد مقید می‌شود به طور کلی، این احادیث آیه ی ۱۷۸ سوره ی بقره کنند و با توجه به صحت وثاقت کثرت و صراحت این روایات تردیدی نیست که حکم قصاص زن و مرد همان است که بیشتر علما به آن فتوا داده‌اند.

در خصوص حقوق سیاسی زنان بر اساس آن چه از آیات و روایات و تاریخ اسلام به دست می‌آید، چون سیاست یکی از شؤون اجتماعی می‌باشد و نظام حاکم بر اجتماع همان گونه که سرپرستی مردان را

این آیات بیانگر این حقیقتند که زن و مرد در ماهیت انسانی و بدون در نظر گرفتن سنخیت و جنس مشترکند. یعنی همانطور که مردان از استعدادهای متنوع برخوردارند و طبعاً می‌توانند این استعدادها را به فعلیت برسانند، زنان نیز بدون هیچ کاستی دارای این استعدادها هستند و می‌توانند این استعدادها را به فعلیت رسانند.

به عبارت دیگر، زن و مرد در فطرت خدائشناسی، کسب معرفت، رسیدن به قرب الهی و دیگر استعدادها، همسانند و قابلیت این را دارند که به کمال و درجه ی نهایی انسانیت دست یابند.

## ۱-۱- زن و تکثیر نسل انسان

خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

«نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ» زنان شما کشتزار شمايند، پس (برای کشت فرزند صالح) بدانها نزدیک شوید هرگاه (مباشرت آنان) خواهید، و چیزی برای خود پیش فرستید و خدا ترس باشید و بدانید که محققاً نزد خدا خواهید رفت. و (ای رسول) اهل ایمان را بشارت ده.

وجود چنین جایگاهی برای زن، مسئولیت و وظیفه‌ی او را در مرتبه‌ی انسانی بسیار سنگین کرده تا آنجا که به جهت وجود چنین جایگاه ممتازی، دامن زن، مدرسه‌ی انسان‌سازی و او خود مربی این مدرسه انسانی است.

## ۱-۲- زن و ایجاد آرامش

خداوند متعال در آیات متعددی زن را مایه‌ی آرامش زندگی معرفی می‌کند:

مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا «و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید

خداوند متعال در این آیات، آفرینش زنان را که مایه‌ی آرامش بخشی به زندگی است را از نشانه های خود معرفی می‌کند. به راستی وجود همسران با این ویژگی‌ها، برای انسانها که مایه‌ی آرامش زندگی است یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب می‌شود و اگر کسی تفکر و تعلق کند متوجه می‌شود که این دو جنس مکمل یکدیگرند و مایه‌ی شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر می‌باشند و زن است که کانون خانواده را گرم و با نشاط نگه می‌دارد و باعث رشد و کمال انسان می‌شود.

آری خداوند متعال همسر بودن زن را آیه‌ی خویش خوانده و اثر وجودی او را سکون دانسته. و این خود دلالت بر ویژگی ممتازی دارد که در زن وجود دارد.

## ۱-۳- زن و مقام مادری

از دیگر ویژگی های ممتاز زنان که سیمایی انسانی و رحمانی به آنها بخشیده است، شأن و منزلت مادری است. خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا ...

ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است.

بر عهده دارد ولایت زنان آن جامعه را نیز عهده دار است پس زنان نیز مانند مردان حق دارند تا انتخاب گر باشند و مخالفت یا موافقت خویش را با نظام حاکم بیان کنند. (همان) هجرت هم نوعی عمل سیاسی است که به مفهوم اعتراض و ناخشنودی از اوضاع موجود صورت می‌گیرد و تأیید حضور زنان در هجرت از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله به معنای رسمیت دادن به حقوق سیاسی زن بودیکی از زنانی که قرآن کریم به عنوان نمونه ی افراد سیاست، مدار دوراندیش مدیر و مدبر و دارای رشد عقلانی بسیار معرفی می‌کند، بلقیس ملکه سبا است که داستان او با سلیمان نبی در سوره ی «نمل» بیان شده است و این تأیید حقوق سیاسی زن است. معلوم شد به جز سه منصب مرجعیت و رهبری (قضات و جهاد، ابتدایی هرگونه مشارکت سیاسی و اجتماعی برای زنان، از نظر اسلام جایز است و منعی وجود ندارد.

### ۳. حقوق سیاسی زنان

در خصوص مسأله ی حجاب آیات بسیاری وارد شده است که مهم ترین آنها دو آیه ی زیر می باشد:

آیه ی ۳۱ سوره ی نور و قل للمؤمنات یغضضن من أبصارهن...؛ ای پیامبر به زنان با ایمان بگو چشم های خود را فرو گیرند و از نگاه کردن به مردان نامحرم (بپرهیزند و دامان خود را حفظ کنند و نباید زینت خود را آشکار سازند جز آن مقدار که به طور طبیعی ظاهر است و اطراف روسری های خود را بر سینه ی خود افکنند تاگردن) و سینه با آن پوشانده شود و زینت خود را آشکار نسازند آیه ی ۵۹ سوره ی احزاب: «یا ایها النبی قل لازلواجک وبناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلک ادنی ان یرفن فلا یؤذین وکان الله غفوراً رحیماً؛ ای پیامبر صلی الله علیه و آله به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: روسری های بلند (مانند چادر خود را بر خویش فرو افکنند تا شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند و اگر) تاکنون خطا و کوتاهی از آنان سر زده بدانند که خداوند همواره غفور و رحیم است.»

در خصوص شهادت دادن زنان قرآن کریم در هیچ یک از آیات تصریحی بر مرد بودن شاهد نشده است، به جز آیه ۲۸۲ سوره بقره که در آن بر مرد بودن شاهد تصریح شده است و ارزش شهادت دو زن را معادل شهادت یک مرد قرار داده است. خداوند متعال می فرماید: «... وَأَشْهَدُوا شَهِدَیْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ یَكُونَا رَجُلَیْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ...» و دو نفر از مردان (عادل) خود را بر این حق شاهد بگیرید و اگر دو مرد نبودند یک مرد و دو زن...» این آیه که درباره نوشتن قرض و نسیه در معاملات است به صراحت اولویت اول به دو شاهد مرد داده شده است و در درجه دوم شهادت زن هم پذیرفته شده ولی در این صورت که اولاً به ضمیمه مرد باشد و ثانیاً شهادت دو زن معادل شهادت یک مرد محسوب گردد. استاد مطهری به خوبی توضیح میدهند که این تدبیری است برای اینکه زن به اجتماع کشانده نشود در مسائل خیلی مهم، مثل حق الناس زن هم باید شهادت بدهد ولی در برخی مسائل که چندان اهمیت ندارد تا حد امکان باید کاری کرد که زن به اجتماع کشانده نشود، چون شهادت موضوعی است که فرد به خاطر آن به محکمه کشیده میشود

(۱۶)

حدود و گستره آزادی مدنی زن از منظر مکتب فمینیسم

#### ۱. فمینیسم، جنس و جنسیت

شاخه های مختلف فمینیسم بین «جنس» و «جنسیت» تفاوت قائل هستند و از جنس را برای مصارف بیولوژیکی و جنسیت را برای ویژگیهای شخصیتی و هویت اجتماعی زنان به کار میبرند این مفاهیم در نظریه فمینیسم به مثابه پتانسیلهای تبعیض علیه زنان تلقی می‌شوند در نتیجه چنین نگرشی تئوریهای روانکاوانه فردگرایی تقویت حس انتقام جویی، تغییر در نظام انگیزشی حس برتری جویی و... مطرح میشوند نظریه تساوی زن و مرد و مباحثی همچون حق رأی، حق مالکیت، حق برخورداری از آزادیهای اجتماعی و اشتغال تعارضاتی را با نقشهای زنان در خانواده ایجاد نمود نتیجه این تعارضات از هم گسیختگی نهاد خانواده بود که به عنوان مرکز اصلی ستم به زنان تلقی میشد جان استوارت میل» در کتاب خود «مقهوریت زنان (۱۸۶۹) تساوی زن و مرد را محور اساسی حمایت از حقوق زنان دانسته و معتقد است که زنان نباید ملزم به اطاعت از شوهر باشند و حضانت فرزندان نیز باید به دلخواه آنها باشد (۲۰)

#### ۲. فمینیسم و انقیاد جنسی زنان

«سیمون دوبوار نیز از نظریه پردازان و فیلسوفان مهم فمینیست نیز در کتاب معروف خود تحت عنوان «جنس دوم» ریشه ستم و ظلم نسبت به زنان را در ارتباط جنسی با مردان میداند. وی تصریح میکند که برای مردان زنان «بیگانه» و «دیگری» هستند که فقط باید برای تمتع، جنسی از آنها استفاده کرد؛ بنابر نظر وی پدیدههایی چون، حاملگی، قاعدگی و شیردهی برای مردان قابل درک نیستند و همین عوامل بیولوژیکی باعث شده تا زنان ضعیف و زیر دست مردان قرار گیرند. دوبوار زن بودن را حاصل کلیشههای جنسی میداند و جمله معروف وی در کتاب جنس دوم بر این مطلب تأکید می‌کند. وی میگوید: «هیچ کس زن به دنیا نمی آید بلکه بعداً زن می‌شود براساس عقاید دوبوار ازدواج و عشق مسائلی هستند که منجر میشوند تا زنان استقلال خود را از دست بدهند و نتوانند مانند مردان خلاقیت داشته و همیشه محتاج آنان باشند. وی از مدافعان سرسخت حق بدن و سقط جنین و تغییر در امکان حاملگی بدون نیاز به مردان بود. (۱۶)

«مونیک ویتینگ» و «کریستین» «دلفی نیز فرآیند زیستی زایمان را برنامه ریزی اجتماع برای زنان میدانند. ویتینگ چنین اظهار می دارد هدف مبارزه ما سرکوب مردان از طریق نسل کشی نیست بلکه این مبارزه یک مبارزه سیاسی است که اینگونه [با نفی تفاوتهای زیستی نمود پیدا کرده است هرگاه طبقه ای به نام مردان وجود نداشته باشد طبقه فرودست زنان هم از بین می‌رود (۱۷) بر این اساس فمینیستها معتقد به ارضای نیازهای طبیعی به خصوص میل جنسی بدون قید و شرط هستند و خانواده را بهترین مسیر ارضای این نیاز نمیدانند چرا که به نظر آنان کارکرد زیستی خانواده قرار گرفتن در شرایط مردسالاری است.

#### ۳. فمینیسم ازدواج و خانواده

در خصوص فمینیسم مارکسیسم مارکس تشریح کرد که لغو مالکیت خصوصی موجب میشود تا مسئولیتی که تک تک افراد قرار دارد

به زنان تحمیل میشود. تفکرات افراطی فمینیست های رادیکال حتی فحشا و ازدواج را هم شأن یکدیگر میدانند که در هر دو مورد با زن در حد یک کالای جنسی برخورد میشود در سال ۱۹۹۳ آندرا دورکین از فمینیستهای مشهور آمریکایی اظهار میدارد مانند فاحشه گری، ازدواج هم یک بنیاد ستمگرانه و خطرناک برای زنان است. در سال ۱۹۸۷ کاترین مک کینون<sup>۴</sup> استاد حقوق دانشگاه میشیگان نیز تصریح میکند که فمینیسم تمایزی بین، فاحشگی ازدواج و آزار جنسی نمیبیند.

#### ۴. ازدواج مشارکت اجتماعی و رویکردهای فمینیستی

هر چند فمینیسم تلاش نمود تا با حضور زنان در عرصه های اجتماعی منزلت و جایگاهی را برای آنان پدید آورد، اما با نادیده گرفتن واقعیات جامعه بدون توجه به تفاوت های فرهنگی و بسترسازی به ابزاری جهت انتفاع هر چه بیشتر نظام سرمایه داری تبدیل شد در چالشهای متعدد، فرهنگی عرفی و حقوقی کشورها تغییرات عمده ای را در موازنه بازار کار و جابجایی قدرت و ثروت ایجاد نموده است به طوری که زنان به واسطه کسب درآمد و عدم وابستگی مالی به، مردان خود را در محیطی میبینند که رشد و بالندگی فردی اولویت خاصی دارد و ایفای نقشهای همسری و مادری پارادکسهایی را برای فرد به وجود می آورد. این رویکردها نسبت به ازدواج که اغلب با حمایت دولتی نیز همراه است چهره ی دیگری از سرمایه داری را عیان میسازد، زیرا با افزایش پدیده طلاق یا زندگی مجردی تقاضای مصرف کالا افزایش می یابد.

خداوند تعالی با فرو فرستادن این آیه، کیفیت صحیح پوشش زنان را بیان کرد و به آنان فرمود: باید دو طرف روسری را از جانب راست و چپ به جلو آوردند و به طور معکوس بر گریبان بزنند. این گونه پوشاندن موجب می شود همه سر و گردن و زیبایی های آن پوشیده و فقط چهره باز بماند. ۲۱ در نتیجه، این آیه به طور صریح، پوشش سر و گردن را به عنوان یک حکم اختصاصی بر زن واجب می کند. شاید سبب این پوشش اختصاصی آن باشد که سر و گردن و گریبان مهم ترین محل زیبایی های زن است؛ زیرا هم محل محاسن طبیعی زن - مثل صورت و موی سر - است و هم موضع قرار دادن انواع زینت های منفصل؛ از قبیل گوشواره، سینه ریز و گردنبند. از این رو، آیه روی این قسمت، که پوشش آن ویژه زن است، تکیه کرده و زن را موظف ساخته که بخصوص سر و گردن و گریبان و دستان را به هنگام خروج از خانه بپوشاند - البته بجز مقداری که استثنا شده است (یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا) (احزاب: ۵۹)؛ ای پیغمبر! به همسران و دختران و به زنان با ایمان بگو که جلاباب ها (روسری ها)ی خویش را به خود نزدیک سازند. این کار برای آنکه شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند نزدیک تر است و خدا آمرزنده و مهربان است.

در سوره احزاب، آیه ۵۳ می خوانیم: (وَ إِذَا سَأَلَكَ الْمُؤْمِنَاتُ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ) و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی (به عنوان عاریت) از آنها (همسران پیامبر) می خواهید، از پشت پرده بخواهید. این کار دل های شما و

مانند نگهداری از سالمندان، کودکان، تغذیه و... به کل جامعه محول شود. وی بر این باور بود که وقتی زنان از مسئولیت خانواده آزاد شوند میتوانند سیستم پدرسالاری و اسارت خانوادگی را در هم شکنند و به عنوان عضوی از جامعه ظرفیتهای خلاق و مولد را توسعه دهند در این دیدگاه زن به عنوان یک مولد در طبقه کارگری و عضوی از احزاب سیاسی تلقی شده و تقسیمات طبقاتی و سرمایه داری ریشه استعمار جنسی و جنسیتی زنان محسوب میشوند؛ لذا این موضوع که ازدواج سرمنشأ ورود زن به حیطه انقیاد خانواده شمرده شود مورد نقد قرار میگیرد. فمینیست مارکسیستهایی چون «کلارازتکین» و «رزا لوزامبورگ» نیز به نوعی به دگردیسی در مفهوم خانواده معتقد بودند. به نظر آنان مفاهیمی همچون ازدواج رنگ باخته و انتخاب آزادانهی شریک جنسی حق زنان است.

از دیدگاه فمینیسم سوسیالیسم تعابیری چون، جنس، جنسیت، قومیت، نژد طبقات، اجتماعی مرزبندیهای بین المللی و نظام های اقتصادی پدید آورنده ستم علیه زنان می باشند فمینیسمهای سوسیال نیز همچون مارکسیستها نظام سرمایه داری را عامل سوق دادن زنان به سوی دستمزد کمتر و حضور در تولید و کار نابرابر دانسته اند که نتیجه آن روی آورد آنان به ازدواج برای تأمین زندگی و پذیرش نقشهای مادری و همسری است که آنها را وابسته و محدود مینماید و به طور غیر مستقیم با تمایز حیطه های خصوصی و عمومی به تحکیم نظام مردسالاری می انجامد در سال ۱۸۸۳ «آگوست بیل» در کتابی تحت عنوان زن و سوسیالیسم به رنج زنان در نظام خانواده و تحت سلطه همسر میپردازد که بعدها از پایه های فکری بزرگترین حزب سوسیالیستی یعنی حزب سوسیال دموکرات آلمان شد

در دیدگاه لیبرال، فمینیسم برابری کامل زنان و مردان و برخورداری زنان از حقوق سیاسی و اجتماعی است. در فلسفه سیاسی لیبرال، انسانها ذاتاً از یک جنس هستند و تفاوت فیزیکی نباید توجهی کندهی رفتار متفاوت با آنها باشد. بنابراین تفاوت های ناشی از استعداد باروری و نقش زن به عنوان یک مولد نادیده گرفته می شود. تلاش لیبرالها برای نقد وضع موجود در کتاب «مری ولستون کرافت تحت عنوان «دفاع از حقوق زنان انعکاس یافته است که به عنوان نقطه عطفی در تاریخ فمینیسم یاد می شود. وی نگاه تحقیر آمیز مردان به زنان را مهمترین مسئله فرودستی آنان میدانند و تلاش زنان برای ایده آل قرار گرفتن در نظر مردان را نوعی حقارت تلقی می کند (۱۵)

فمینیسم رادیکال با فرض بی نیازی زنان از مردان به ترسیم فضای جدیدی میپردازد که با وعده هایی چون رفع سلطه مردان و رفع خشونت علیه زنان همراه است آنها مردان را از نظر زیست شناسی خشن و موجوداتی سلطه جو میدانند که به طور طبیعی میل به اعمال خشونت علیه زنان دارند. «دی کلی وایز برگ ۲۷» در تئوری کاربرد حقوقی فمینیست این فرآیند را اینگونه شرح میدهد بر طبق نگرش فمینیستی بنیادگرایانه مردان به گونهای تربیت میشوند که تمایلات جنسی داشته باشند و احساس کنند حق داشتن شریک مورد علاقه شان را دارند در حالی که زنان به گونه ای پرورش می یابند تا تمایلات آنها را برآورده سازند و مفعولیت جنسی را بپذیرند (۱۱) فمینیستهای رادیکال ازدواج را یک وضعیت غیرارادی می دانند که در آن مجموعه ای از خشونت بیکاری و تقاضاهای جنسی ناخواسته

امروزه در غرب بر اثر تأکید جنبش فمینیسم بر آزادی جنسی و حذف نقش مادری مشکلات عدیده‌ای از جمله خانواده تک، والد خانواده چندوالد رواج همجنس‌بازی، سقط جنین کودکان نامشروع بارداری در سنین، کودکی تجاوز به، محارم تجاوز به کودکان و... از مشکلات اساسی جامعه غربی شده است. بی‌کسی و تنهایی زن و مرد در غرب بیداد میکند و این باعث شده برای رفع این تنهایی به حیوانات پناه برده، آنها را همدم و مونس خود قرار دهند و حتی در بسیاری از موارد آنها را بر فرزندان خود ترجیح دهند.

به طور خلاصه، میتوان گفت که در غرب تحت تأثیر جنبش فمینیسم خانواده سه وظیفه حیاتی خود را از دست داده: ۱- ارضای نیازهای جنسی در چارچوبی مشخص - ۲ خانواده به عنوان مرکز تولید نسل و تعلیم و تربیت؛ ۳ خانواده به عنوان پشتوانه اقتصادی این در حالی است که اسلام در ۱۴۰۰ سال پیش زن و مرد را کامل کننده یکدیگر میدانند و تنها عامل برتری را تقوا اعلام کرده و نشان داده است که زن و مرد در جایگاه انسانی برابر ایستاده‌اند و با توجه به این برابری برای هر کدام نقشی متناسب با خصوصیاتش تعریف کرده که در آن چارچوب از گزند آفات در امان میمانند.

ایران به عنوان یک جامعه اسلامی و مخصوصاً شیعی میکوشد موازین اسلامی را در جامعه اجرا کند؛ ولی در سالهای اخیر نفوذ تفکرات فمینیستی در برخی حوزه‌ها غیر قابل انکار است واقعیت ملموس این است که به علت وجود زمینه‌های تضييع حقوق زنان در جامعه که گاه به علت عدم تبیین صحیح و اقناع افکار عمومی در مورد احکام دینی و گاهی صرفاً بر اساس نگاهی مردانه و متعصبانه بر جامعه زنان تحمیل گردیده زمینه‌های پذیرش برخی نظریه‌های فمینیستی برای جامعه زنان ایران مهیا شده است.

در نظام فکری دین اسلام، زن جایگاهی رفیع و مسئولیت‌های بزرگی دارد، که اگر در جایگاه اصلی خود که همگام با ساختمان وجودی اوست، قرار گیرد، بسیاری از مشکلات خانواده و اجتماع حل می‌شود. اما اگر از این جایگاه جدا شود در قربانگاه شهوت پرستان بی‌درد، در پشت پرده‌های نفاق و در پوششی زیبا بنام آزادی، قربانی می‌شود. در این هنگام هرگز نباید از او پرورش انسان صالح انتظار داشت. و در آخر باید گفت، گوش ندادن به ندای فطرت، عقل، وجدان، قرآن، ارزش و مقام زن، این موجود الهی، متزلزل می‌شود و او را جایگاه الهی جدا می‌کند.

## References

1. Stuart Mill J. (1379). Subjugation of women: translated by Aladdin Tabatabaei, Tehran, Hermes Publications
2. Beheshti S. and Ahmadiania M. (2005). Explaining and examining the educational theory of feminism and criticizing it from the perspective of Islamic education, Islamic education, Tehran, Hozva and University Research Center
3. Hosseini A. 1380 Feminism against

آنها را پاک تر می دارد. جمله (ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ) در مقام بیان فلسفه و مصلحت این دستور است.

جنبش فمینیسم به منظور اعطای آزادیهای بیشتر برای زنان و افزایش فردگرایی در بین، آنان حذف یا کم رنگ کردن اهمیت خانواده را برگزید. این مقوله نیازمند اهرمهای قانونی و پشتوانه‌های سیاسی بود و نظامهای غربی با طرح شعارهای دموکراسی و حقوق بشر درصدد اصلاح یا تغییر ماهیت، قوانین استراتژیها و نگرشهای جامعه برآمدند قانونی شدن سقط جنین، عرفی سازی و ایجاد فرهنگ زندگی بدون تعهد اخلاقی و قانونی و نیز زندگی بدون ازدواج زن و مرد در کنار یکدیگر، آزادی روابط جنسی که نیاز زنان به ازدواج را تحریف مینماید برنامه‌های حمایت از همجنس‌گرایی حمایت از خانواده‌های تک سرپرست و تک والد و تابوشکنیهای متعدد در زمینه فرزندان نامشروع و ایجاد مهدکودکها پانسیونهای متعدد به منظور رهایی زنان از نقش مادری از جمله تحرکات دهه‌های اخیر دنیای غرب بوده است. با تهاجم جدید فرهنگ غرب در ایران در آستانه انقلاب مشروطه وضعیت زنان نیز همپای سایر اقشار اجتماعی تغییر کرد. از این رو، مشروطیت را باید نقطه عطفی در تاریخ فرهنگی ایران دانست زیرا آثار شگرفی در تغییر نگرش‌ها در میان زنان برجای گذاشت و جامعه ایرانی را نادانسته و ناخواسته بر مدار فرهنگ غرب کشاند گروهی از غرب‌گرایان داخلی که تحولات فرهنگی مغرب زمین را با خوش بینی تحلیل می‌کردند تنها راه سعادت را الگو برداری از جهان به اصطلاح متجدد و رهایی از مظاهر سنتی می‌دانستند.

از این رو در اواخر سلطنت قاجار جنبشهایی پدید آمد که توسط زنان ایرانی هدایت میشد که از فرزندان و یا همسران تحصیل کرده‌های دنیای غرب بودند حتی برخی از زنان روشنفکر در روزنامه‌های ایرانی که پیش از مشروطه در خارج از کشور به چاپ می‌رسید مقالاتی در ترویج دیدگاههای غرب می‌نوشتند نوشته‌های این گروه خود شاهی بر تاثیرپذیری آنان از تحولات غرب است در دوران سلسله پهلوی فصل جدیدی در تاریخ زنان ایران گشوده شد و غرب زدگی و بی‌هویتی نیمه پنهان چهره خود را آشکار ساخت کشف حجاب در سال ۱۳۱۷ که به بهانه آزاد کردن نیمی از نیروهای انسانی جامعه انجام شد نقطه عطفی است که تاثیر به‌سزایی در شکل‌گیری برداشتهای منفی در ذهنیت جامعه مسلمان ایرانی داشت.

## نتیجه‌گیری

اگر چه فمینیسم در غرب به دلایل مورد قبول و پذیرش آن جوامع متولد گردید اما همانند سایر امواج فرهنگی ساطع شده از غرب مرزهای فیزیکی و جغرافیایی سایر جوامع از جمله جامعه ایران را درنوردیده آن را نیز مورد تأثیر قرار داده است. هسته نظریه‌های فمینیستی ناظر بر آن است که تاکنون جهان را مردان تعریف کرده و زنان در این تعریف مردانه نادیده انگاشته شده‌اند از این رو مبانی اصلی تمامی نظریه‌های فمینیستی مبتنی بر تساوی زن و مرد در همه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... است آنچه مسلم است ایدئولوژیها نمادپردازیها و ترتیبات -ساختاری اجتماعی مشخص مرتبط با زنان از فرهنگی با فرهنگ دیگر به شدت متمایز است.

Second Sex", Translated by H.M. Parshley. New York: vintage

20. Book, Original work (Paris: Allimard, 1949).

21. Dworkin, Andrea, 1993. "Feminism: An Agenda", Brooklyn Hill Books.

22. Mackinnon, Catharine, 1987. "Feminism Unmodified: Discourses on life and law", Harvard university press.

23. Waters, Mary-Ali, 2001. "Feminism and the Marxist Movement", Ninth printing.

24. Weisberg, D. Kelly, 1985. "Feminism in Law" journal of Feminism Theory.

25. Witting, Monique, 1977. "Questions Feminists Journal", New York.

women, review book No. 17. pp. 161-182.

4. Davoudi S. Spring and summer of 2015, how to liberate women in society from the perspective of Islam, research studies of women with the approach of Islam

5. Article 4, period 3, number 4

6. Rostami . 2019 gender, employment and Islamism, Tehran: Jamia Publications.

7. Tabatabayi. M. 1374 AH. Translated by Tafsir al-Mizan, 5th edition: Qom, Qom seminary community, Islamic publishing office

8. To the translation of Majmam al-Bayan's commentary, 1st edition: Tehran: Farahani Publications

9. Katouzian N. 1371 Civil Rights. Tehran Family Publishing Company

10. Klini M, 1407 A.H. Kafi (I - Islamic). Fourth edition of Tehran

11. Quran Culture and Education Center 1382 AH. Sh. Al-Maarif encyclopedia of the Holy Quran, 3rd edition: Qom Bostan Kitab Qom (published by the Islamic Propaganda Office of Qom Seminary.

12. Moshirzadeh 1385, from movement to social theory, history of two centuries of feminism, Tehran, Shiraz

13. Motahari M. 1375. Women's legal system in Islam, Tehran: Qalam Publications

14. Singer M. 1378 AH. Sh. Translation of Tafsir Kashif, 1st edition of Qom Bostan Book of Qom (published by the Islamic Propaganda Office of the Seminary

15. Qom)

16. Makarem Shirazi N. 1371 AH. Tafsir sample of the 10th edition: Tehran Dar Ketub al-Islami.

17. Nafisi.S. 1342 Social History of Iran University: Tehran Institute of Social Studies and Research.

18. Nouri Y. 1347 Women's Rights in Islam and the Unplaced World: Farahani Publications

19. Beauvior, Simon de, 1989. "The